

شناسایی موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی (مطالعه موردی: دهستان شلیل - شهرستان اردل)

حامد قادرمرزی^۱: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران
علیرضا جمشیدی: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
داود جمینی: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
حمید نظری سرمازه: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر که از نوع توصیفی - تحلیلی بوده، شناسایی موانع توسعه کارآفرینی در بین زنان روستایی است که به صورت موردی در دهستان شلیل از توابع شهرستان اردل انجام گرفته است. گردآوری اطلاعات به دو شیوه اسنادی و میدانی بوده که داده‌های میدانی از طریق سرشماری زنان روستایی که در کلاس‌های کارآفرینی شرکت داشته‌اند (۱۹۵ نفر)، جمع‌آوری شده است. روایی ابزار تحقیق به صورت صوری با کسب نظرات کارشناسان مربوطه و اساتید دانشگاهی تأیید شده و پایایی ابزار تحقیق با توزیع ۳۰ پرسشنامه در خارج از محدوده مورد مطالعه، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۹۵)، تأیید گردید. جهت دستیابی به هدف اصلی پژوهش از تکنیک *TOPSIS* و برای وزندهی به متغیرهای مورد مطالعه، از با استفاده از نظرات کارشناسان متخصص کارآفرینی و تکنیک *AHP* استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد سه عامل نداشتن پشتوانه مالی و پس‌انداز کافی، نداشتن وثیقه و ضامن برای استفاده از اعتبارات دولتی و عدم توانایی در رقابت با مردان در عرصه تجارت و اقتصاد، به ترتیب با ضریب اولویت ۰/۶۲۴، ۰/۶۱۳ و ۰/۵۹۰، مهم‌ترین توسعه کارآفرینی زنان روستایی محدوده مورد مطالعه می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: توسعه روستایی، کارآفرینی، موانع کارآفرینی، زنان روستایی، دهستان شلیل.

بیان مسأله:

هدف از توسعه به طور کلی، تجدید سازمان کل نظام اقتصادی و اجتماعی است، به نحوی که در این فرایند، علاوه بر بهبود سطح زندگی، دگرگونی‌های اساسی در نهادها و زیربنای اجتماعی و مدیریت و نهایتاً در رفتارهای گوناگون انسان پدیدار می‌گردد. دستاورد توسعه عبارت است از رها شدن انسان‌ها از چنگال فقر غذایی، فقر علمی، فقر فرهنگی، فقر سیاسی و فقر زیست‌محیطی (خاتون‌آبادی، ۱۳۸۴: ۴). با توجه به این مهم، جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که در تکاپوی دستیابی به توسعه و بعد فراگیرتر آن یعنی توسعه پایدار نباشد. در رسیدن به توسعه پایدار روستایی عوامل متعددی دخیل می‌باشند. یکی از مهم‌ترین این عوامل، کارآفرینی است؛ زیرا کارآفرینی با خلق فرصت‌های جدید اشتغال و درآمد، نوآوری و ایجاد رفاه، نقش مؤثری در بهبود وضع اقتصادی و معیشتی روستاها خواهد داشت (Wennekers et al, 1999: 38). به همین دلیل، سنجش میزان کارآفرینی روستاییان و تلاش برای توسعه و تقویت کارآفرینی در فرایند توسعه روستایی از طریق فراهم کردن زمینه‌های اولیه آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (Driga et al, 2008: 83). تجربه بسیاری از کشورهای فقیر پرجمعیت که طیف وسیعی از جمعیت آن‌ها را روستاییان تشکیل می‌دهند، بیانگر این نکته است که توجه به مقوله کارآفرینی می‌تواند از مهاجرت روستاییان به شهرها کاسته و زمینه‌های اشتغال، رفاه و پیشرفت آنان را در همان روستای محل سکونتشان فراهم نماید (زارع-احمدآبادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۰). از طرف دیگر، کارآفرینی در مناطق محروم روستایی به علت دسترسی اندک به منابع و امکانات و همچنین توسعه نیافتن روابط اجتماعی، نسبت به کارآفرینی در مناطق و نواحی پیشرفته، مشکل‌تر بوده و بنابراین نرخ اثرگذاری کارآفرینی در این‌گونه نواحی بیشتر است (عربیون و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۹). از آنجایی که کارآفرینان منشأ تحولات بزرگی در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی شده‌اند و چرخ‌های توسعه اقتصادی، همواره با توسعه کارآفرینی به حرکت در می‌آیند، و همچنین، با توجه به این مهم که کارآفرینی نه تنها در توسعه اقتصادی بلکه در سلامت روحی و روانی و شکوفایی معنویات افراد جامعه تأثیر می‌گذارد، حذف موانع توسعه کارآفرینی از مباحث اساسی بوده و در کانون توجه اندیشمندان قرار گرفته است (نیازکار و همکاران، ۱۳۸۹: ۵). بنابراین امروزه محققان سعی می‌کنند درباره موضوع کارآفرینی و چگونگی فرآیند آن، اطلاعات بیشتری به دست آورند تا بتوانند از عوامل مداخله‌گر و مهم در این مقوله درک بهتری پیدا کنند (Gartner, 2001).

دهستان شلیل از توابع شهرستان اردل، واقع در استان چهارمحال و بختیاری هست که ۳۸۰۵ نفر جمعیت دارد. از این تعداد ۱۹۳۴ نفر را گروه زنان تشکیل می‌دهند. از کل جمعیت زنان این دهستان، حدود ۷۷ درصد در سن فعالیت اقتصادی می‌باشند. لازم به ذکر است که از زنان واقع در سن فعالیت اقتصادی این بخش کمتر از ۴ درصد شاغل بوده، این در حالی است که نرخ اشتغال برای مردان بخش میانکوه حدود ۴۶ درصد می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). با توجه به وضعیت نامساعد اشتغال زنان در این دهستان، در اوایل سال ۱۳۹۱، یک دوره کلاس کارآفرینی در بین زنان روستاهای این دهستان با حضور ۱۹۵ نفر از زنان این دهستان برگزار گردید و طی چندین جلسه آموزش-هایی را در زمینه کارآفرینی به فراگیران ارائه گردید. با این وجود تاکنون فعالیت‌های چندانی در زمینه کارآفرینی و اشتغال‌زایی در بین زنان واقع در دهستان شلیل صورت نگرفته است. بنابراین با توجه به وضعیت نامساعد اشتغال زنان روستایی این دهستان و همچنین، عدم اقدام قابل توجهی در زمینه شروع فعالیت‌های کارآفرینی در بین زنان دهستان شلیل، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که چه عامل یا عواملی در عدم توسعه کارآفرینی زنان روستایی دهستان شلیل تأثیرگذار می‌باشند؟ زیرا شناسایی عوامل بازدارنده کارآفرینی زنان روستایی دهستان مذکور، زمینه‌های شناختی لازم را پیش‌روی روستاییان، برنامه‌ریزان و مسئولان بخش‌های دولتی و

خصوصی قرار می‌دهد تا با تدبیرات لازم موانع موجود را مرتفع ساخته و زمینه‌های توسعه کارآفرینی و اشتغال‌زایی را در محدوده مورد مطالعه فراهم نماید.

پیشینه تحقیق:

نتایج پژوهش علی میرزایی و طهماسبی (۱۳۸۹)، با هدف بررسی موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی دهستان مینوبار آبادان، نشان داد چهار عامل کلی تحت عناوین اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، شناختی و سیاست‌گذاری از مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی دهستان مذکور می‌باشند. یافته‌های پژوهش شریفی و همکاران (۱۳۹۰)، با هدف تبیین موانع موجود در زمینه کارآفرینی زنان کشاورز از دیدگاه زنان نمونه کشاورز منطقه جیرفت و کهنوج با استفاده از تحلیل عاملی نشان داد موانع موجود در سه دسته (فرهنگی - اجتماعی)، (خدماتی - حمایتی) و (قانونی) تقسیم‌بندی شدند. یافته‌های مطالعه همتی‌وینه و همکاران (۱۳۹۱)، باهدف شناسایی موانع مشاغل خانگی و کسب‌وکار زنان روستایی شهرستان کرمانشاه نشان داد چهار مانع فردی، مالی - اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و قانونی - نهادی به ترتیب بیشترین اولویت را در ایجاد محدودیت برای مشاغل خانگی زنان روستایی شهرستان کرمانشاه داشته‌اند. همچنین نتایج نشان داد، در بین موانع فردی "مخالفت اعضای خانواده"، در بین موانع مالی - اقتصادی "دسترسی ناکافی به منابع اولیه برای تولید"، در بین موانع فرهنگی- اجتماعی "عدم اعتماد جامعه به زنان در راه‌اندازی کسب‌وکار" و در بین موانع قانونی- نهادی "وجود دلالتان و واسطه‌ها در بازار" بیش‌ترین اولویت را به خود اختصاص داده‌اند. نتایج پژوهش علیدوست همکاران (۱۳۹۱)، با هدف اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان گرمسار نشان داد: موانع اقتصادی و آموزشی به ترتیب مهم‌ترین موانع در مسیر توسعه کارآفرینی زنان روستایی این شهرستان می‌باشند. یعقوبی‌فرانی و همکاران (۱۳۹۱)، در مطالعه‌ای با هدف بررسی و تحلیل موانع و محدودیت‌های توسعه کارآفرینی زنان روستایی در ایران، نشان دادند که موانع و محدودیت‌های کارآفرینی زنان روستایی در ۹ مقوله قرار می‌گیرند، که عبارت‌اند از: شرایط و ویژگی‌های فردی، شخصیتی و رفتاری زنان روستایی، شرایط و ویژگی‌های خانوادگی، دانش و مهارت زنان روستایی (آموزش، تجربه، ارتباطات)، شرایط فرهنگی، اجتماعی (جامعه، روستا)، دسترسی به امکانات و خدمات مورد نیاز زنان روستایی (در فرایند راه‌اندازی، اداره و توسعه کسب‌وکار)، عوامل قانونی و حقوقی، عوامل مالی و اقتصادی، عوامل نهادی و سازمانی، شرایط جغرافیایی و عوامل محیط روستایی.

در مطالعه دیگری که توسط باتنر و مور (۱۹۷۷) (به نقل از میرغفوری و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۲-۵۱) در مورد ۱۲۹ زن کارآفرین آمریکایی انجام شده است، نتایج نشان می‌دهد که ۳۴ درصد از آنان در جلب سرمایه‌گذاری و مدیریت مالی دچار مشکل بوده‌اند. همچنین، در این تحقیق زنان کارآفرین ابراز داشتند که به علت زن بودن قادر به ورود به برخی از محافل اجتماعی نبوده‌اند و البته این مسئله در مورد زنان سیاه پوست تشدید می‌شد. نتایج پژوهش چیتسیک (۲۰۰۰)، با هدف بررسی موانع پیش روی زنان کارآفرین در زیمباوه نشان داد زنان در این کشور در آغاز کارشان نسبت به مردان در دستیابی به منابع لازم با محدودیت‌های بیشتری مواجه‌اند و هیچ حمایتی از سیستم حقوقی دریافت نمی‌کنند (Chitsike, 2000). نتایج پژوهش *Roomi and Parrott* (۲۰۰۸) در ارتباط با موانع توسعه و پیشرفت زنان کارآفرین در پاکستان نشان داد که عدم دسترسی به سرمایه، زمین، محل کسب‌وکار، فناوری اطلاعات، آموزش، نگرش‌های ذاتی جامعه مردسالار، عدم تشویق زنان توسط اعضای خانواده و کمبود سرمایه‌های اجتماعی، مهم‌ترین موانع پیشروی زنان در توسعه کارآفرینی است. ساتیاباما (۲۰۱۰)، در مقاله‌ی خود با عنوان توانمندسازی زنان روستایی و توسعه کارآفرینی به این نتیجه رسیده است که زنان کارآفرین علاوه بر اینکه با موانع

بازاریابی برای تولیداتشان مواجه هستند، عوامل دیگری نیز مثل مسئولیت‌های خانوادگی‌شان مانع دستیابی آنان به بعضی از فرصت‌ها می‌شود، به علاوه آن‌ها در بعضی از کشورها با موانعی در رابطه حق مالکیت دارایی‌هایشان مواجه هستند (Sathiabama, 2010).

مبانی نظری :

کارآفرینی فرایند ایجاد، ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت به منظور تولید کالاها و خدمات‌های آتی (Shane et al, 2000: 221)، همراه با صرف وقت، تلاش بسیار و پذیرش خطرهای مالی، روحی، اجتماعی برای به دست آوردن منابع مالی، رضایت شخصی و استقلال است (Askun et al, 2011). در هر نظام اقتصادی، صرف نظر از نهادها و ساختارهای آن، کارآفرینان و سطح کارآفرینی فعالیت‌هاست که بخش عمده‌ای از ارزش افزوده اقتصادی را تولید می‌کنند (Ilmakunnas et al, 2001: 201). امروزه به خوبی اهمیت کارآفرینی در پیشبرد توسعه جوامع آشکار شده و این اهمیت از دستاوردها و پیامدهای متعدد مستقیم و غیرمستقیم فعالیت‌های کارآفرینانه ناشی می‌شود (Audretsch et al, 2005: 462). به طوری که کارآفرینی به عنوان کلید حل مسائل و موانع توسعه انسانی، موضوع بحث بسیاری از اندیشمندان توسعه اجتماعی و اقتصادی قرار گرفته است. آن‌ها معتقدند که کارآفرینی موتور توسعه انسانی و بالطبع توسعه اقتصادی کشورهاست، همچنین عقیده دارند اگر خواهان اقتصادی پیشرفته در قرن ۲۱ هستیم، کلید آن کارآفرینی است و لازمه آن توجه بیشتر محققان و سیاست‌گذاران به نیازهای نیمی از جمعیت جهان، یعنی زنان است (Carter, 2005: 39). یک موضوع اساسی در مطالعه‌های کارآفرینی، بررسی عناصر تشکیل‌دهنده و موانع و چالش‌های پیش‌روی فرایند کارآفرینی است (Chell, 2001: 205). عوامل بازدارنده عواملی اضطرابی هستند که زنان را از دنبال کردن ایده کسب و کارشان منع می‌کند. مانند: افزونگی، بیکاری، ناامیدی از کار قبلی، نیاز داشتن به زندگی معقول با برنامه کاری منعطف و سنت خانوادگی در اداره کردن کار (Petridou et al, 2008).

در پژوهش‌ها و مطالعات صورت گرفته در مورد عوامل بازدارنده کارآفرینی زنان روستایی نظرات و دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

از نظر دابسون امروزه موانع عمده کارآفرینی زنان روستایی در فقدان ظرفیت‌سازی، فقدان توانمندسازی و فقدان تسریع رشد از طریق تحرک بخشی نهفته است (Dabson, 2007)، به باور الیس (۲۰۰۳)، فقدان دسترسی زنان به اعتبارات و خدمات حمایتی از موانع تأثیرگذار بر کارآفرینی زنان روستایی هستند (Ellis, 2003: 566-571). کرونیس (۲۰۰۶)، نبود نهادهای حمایت‌کننده و سازمان‌دهی ضعیف کارآفرینان زنان روستایی، پایین بودن سطح تحصیلات، وجود تبعیض در بازار کار و وجود باورهای سنتی و کلیشه‌ای درباره زنان از موانع مؤثر در توسعه و تقویت کارآفرینی زنان در مناطق روستایی است (Cronies, 2006: 246-243). ساختارهای مردانه‌ی برتر و توزیع جنسیتی شایستگی‌ها و مهارت‌های شغلی، اصرار به پدرسالاری در خانواده‌های روستایی (Brandth, 2002)، عدم دسترسی به خدمات اطلاعاتی، آموزشی و مشورتی (Singh et al, 2003; Minniti, 2004)، سطح پایین مهارتی، فناوریانه ضعیف و منابع مالی محدود (Unido, 2004:86)، موانع علمی، فرهنگی، ایدئولوژی، تبعیض‌های اجتماعی، کمبود تسهیلات در نگهداری فرزندان، نابرابری بر پایه جنسیت در دستیابی به منابع رشدی (نظام‌های مالی و اعتباری، آموزش و اطلاعات)، سطح آموزش رسمی ضعیف (Stratigaki, 2005; Driga et al, 2008)، از دیگر عوامل بازدارنده کارآفرینی در بین زنان روستایی هستند.

در رابطه با تقسیم‌بندی موانع کارآفرینی زنان روستایی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. سازمان بین‌المللی کار موانع کارآفرینی زنان را به این صوت دسته‌بندی کرده است: ۱- موانع رفتاری: زنان اعتماد به نفس کمتر و تصور منفی از خود دارند؛ ۲- موانع ایفای نقش: تعرض بین وظایف مختلف با محدودیت‌های زمانی؛ ۳- موانع اجتماعی و فرهنگی: دید منفی نسبت به زنان در کار؛ ۴- موانع تحصیلی: زنان به طور نسبی از سطوح تحصیلات پایین‌تری نسبت به مردان داشته و اغلب دسترسی محدود به فرصت‌های آموزشی شغلی دارند؛ ۵- موانع شغلی: زنان فرصت کمتری در بخش رسمی اقتصاد برای پیشرفت مهارت‌های خود دارند؛ ۶- موانع زیربنایی: دسترسی به اعتبار، فناوری، خدمات حمایتی، زمین و اطلاعات به طور اصولی برای زنان مشکل‌تر است؛ ۷- موانع قانونی؛ فعالیت قانونی مستقل برای زنان محدود است (شریفی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۷).

تعاونی کارآفرینی اروپا نیز پس از تحقیقات خود در زمینه موانع کارآفرینی، در گزارشی که در سال ۲۰۰۳ منتشر کرد، عمده موانع کارآفرینی در اروپا را به سه دسته کلی تقسیم‌بندی کرده است. ۱- موانع اصلاحی و تعدیلی (مانند موانع اجرایی برای ورود)، ۲- موانع فرهنگی و اجتماعی (مانند ترس از شکست و فقدان مهارت‌ها و دانش کارآفرینانه) و ۳- موانع مالی و اقتصادی (مانند استرس بیش از حد در مورد سرمایه مخاطره‌ای، تأمین مالی در مرحله اولیه و تأمین مالی بلندمدت‌تر) (Suhir et al, 2003). از نظر جواهری و قضاتی موانع گسترش فعالیت کارآفرینی زنان بیشتر پدیده‌ای فرهنگی - اجتماعی است که در جامعه نهادینه شده است و برای غلبه بر این موانع، زنان نیازمند تقویت مهارت‌های ادراکی، ارتباطی و تخصصی خود هستند (جواهری و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۷۶). به اعتقاد نیازکار و عرب‌قدم (۱۳۸۹) موانع توسعه کارآفرینی زنان در چهار بعد موانع فردی - خانوادگی (شامل مؤلفه‌های عدم انگیزه، عدم هدف و برنامه، عدم خودباوری، مشکلات خانوادگی و عدم آگاهی و توانایی)؛ موانع اجتماعی - فرهنگی (شامل مؤلفه‌های نگرش منفی مسئولین نسبت به زنان، دیدگاه منفی جامعه نسبت به زنان، نبود الگو، عدم آگاهی جامعه نسبت به اهمیت کارآفرینی، عدم احساس مسئولیت و توجه جامعه و مسئولین)؛ موانع اقتصادی - مالی - تجاری (مشکلات مالی، عدم همکاری، عدم حمایت و مشکلات بازار)؛ موانع ساختاری (عدم هماهنگی و اطلاع‌رسانی و مشکلات قانونی) خلاصه می‌شود.

از نظر میرغفوری و همکاران (۱۳۸۸)، موانع کارآفرینی زنان در شش بعد اصلی که هرکدام زیرمجموعه‌هایی را در بر می‌گیرند عبارت‌اند از: ۱- بعد خانوادگی (کمبود حمایت معنوی و مادی از طرف خانواده، مخالفت والدین با فعالیت‌های کارآفرینی دخترانشان، وجود مسئولیت خانه‌داری و مراقبت از فرزندان و ...)؛ ۲- بعد علمی-تحصیلی (کمبود مهارت حرفه‌ای، -سطح تحصیلات پایین در زنان، عدم اجازه خانواده به دختران جهت ادامه تحصیل در رشته دلخواه و ...)؛ ۳- بعد شخصیتی (عدم خودباوری و اعتماد به نفس در زنان، فقدان انگیزه کافی و تحریک‌پذیری بیشتر زنان در هنگام مواجهه با شکست در مسائل کارآفرینی)؛ ۴- بعد مالی (دشواری کسب سرمایه اولیه و تأمین نقدینگی، عدم اعتماد سرمایه‌گذاران به توانایی‌های زنان، عدم توانایی زنان در فراهم نمودن وثیقه تضمینی جهت راه‌اندازی یک فعالیت کارآفرینی و ...)؛ ۵- بعد فرهنگی - اجتماعی (باورهای کلیشه‌ای در مورد زنان، وجود فرهنگ مردسالاری در سازمان‌ها و جامعه، عدم پذیرش زنان به عنوان همکار در تیم‌های کاری از جانب مردان و ...) و ۶- بعد قانونی (سختی پذیرش و اقامت یک زن تنها در هتل، قوانین ناظر بر خانواده از جمله قانون منع کار زن در صورت عدم رضایت شوهر و منوط بودن خروج از کشور به اجازه کتبی شوهر). از نظر حیدری ساریان (۱۳۹۱)، موانع مؤثر در کارآفرینی زنان روستایی در چهار عامل اصلی که هر کدام زیرمجموعه‌هایی را نیز شامل می‌شوند تقسیم می‌شوند. الف) موانع فردی (وضعیت تأهل، میزان تحصیلات)؛ ب) موانع اجتماعی فرهنگی (حاکم بودن فرهنگ مردسالاری و باورهای کلیشه‌ای

درباره زنان؛ ج) موانع روان‌شناختی (پایین بودن اعتماد به نفس و خودباوری زنان روستایی، فقدان ریسک‌پذیری)؛ د) موانع اقتصادی (فقدان دسترسی به اعتبارات و پایین بودن میزان درآمد زنان روستایی) (حیدری ساربان، ۱۳۹۱: ۱۶۴-۱۶۳). مروری بر دیدگاه‌ها و مطالعات صورت گرفته در زمینه موانع توسعه کارآفرینی، محققان را بر آن داشت با دید ترکیبی جهت شناسایی موانع توسعه کارآفرینی در بین زنان دهستان از شش عامل (اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، آموزشی و مدیریتی، روان‌شناختی، فنی و سیاست‌گذاری)، استفاده نمایند. (شکل شماره ۱).

روش تحقیق:

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی می‌باشد. زنان روستایی دهستان شلیل که در کلاس‌های کارآفرینی برگزار شده جهاد کشاورزی شرکت داشته‌اند ($N=195$)، جامعه آماری این مطالعه را تشکیل می‌دهد که به صورت سرشماری همه‌ی افراد مورد مطالعه قرار گرفتند. جهت گردآوری اطلاعات از دو شیوه اسنادی و میدانی (مبتنی بر پرسشنامه) استفاده شده است. روایی پرسشنامه‌ها با استفاده از نظرات کارشناسان و اساتید دانشگاهی تأیید گردید. به منظور بررسی پایایی ابزار تحقیق، یک مطالعه راهنما در خارج نمونه مورد مطالعه، با تعداد ۳۰ پرسشنامه ترتیب داده شد و پایایی ابزار آن با استفاده از آلفای کرونباخ، $0/895$ به دست آمد که حاکی از مناسب بودن ابزار پژوهش هست. پرسشنامه مذکور، در شش بعد موانع اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، آموزشی و مدیریتی، روان‌شناختی، فنی و سیاست‌گذاری طراحی شده که مجموعاً ۳۱ متغیر را شامل می‌شود. پرسشنامه‌ها بر اساس ابعاد و متغیرهای تبیین‌کننده در قالب ۵ طیف «بسیار کم، کم، متوسط، زیاد و بسیار زیاد» ارزیابی شد که به ترتیب مقادیر کمی آن‌ها برابر با (۱، ۲، ۳، ۴ و ۵) و مقادیر وزنی آن‌ها به ترتیب (۱، ۳، ۵، ۷ و ۹) تعیین شده است. با توجه به اینکه ابعاد و متغیرهای مختلف نسبت به یکدیگر دارای ارجحیت و اهمیت یکسانی نیستند، که در این الگوریتم، این نقص به کمک جدول اوزان شاخص‌ها حل شده است. (جدول شماره ۱).

جدول ۱- تبدیل معیارهای کیفی به پارامترهای کمی

معیار کیفی	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
معادل کمی	۱	۲	۳	۴	۵
معادل وزنی	۱	۳	۵	۷	۹

بعد از توزیع و تکمیل پرسشنامه‌ها، جهت اولویت‌بندی موانع کارآفرینی زنان روستایی دهستان شلیل، از تکنیک *TOPSIS* استفاده شد. در این مطالعه جهت وزندهی به شاخص‌ها در تکنیک تاپسیس، از نظرات کارشناسان و با استفاده از مدل *AHP* استفاده گردید. یافته‌های تحقیق:

ویژگی‌های شخصی پاسخگویان: نتایج نشان داد، میانگین سنی افراد مورد بررسی $34/6$ سال بوده که جوان‌ترین پاسخ‌گو ۱۸ سال و مسن‌ترین پاسخ‌گو ۵۹ سال می‌باشد. در ارتباط با سطح سواد پاسخگویان نتایج نشان داد، ۱۴ درصد بی‌سواد، $21/5$ درصد دارای تحصیلات نهضتی، ۳۲ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۲۱ درصد کمتر از دیپلم، $11/5$ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. حدود ۸۷ درصد از افراد مورد مطالعه اظهار کرده‌اند که فقط ۱ نفر در خانواده آنها مشغول به کار (شاغل) بوده و ۱۰ درصد نیز اظهار کرده‌اند که ۲ نفر و بیشتر در سطح خانوارهایشان شاغل می‌باشد، در حالی که ۳ درصد اعلام کرده‌اند در خانواده آن‌ها هیچ فرد شاغلی وجود ندارد. همچنین، نتایج نشان داد اکثر افراد مورد مطالعه زنان خانه‌دار ($61/5$ درصد کل پاسخگویان) بوده و اکثر سرپرستان خانوارهای مورد

مطالعه در بخش کشاورزی مشغول به فعالیت هستند. در رابطه با شاخص توانایی ایجاد مشاغل جدید، ۵/۱ درصد توانایی کم و بسیار کم، ۱۱/۴ درصد توانایی متوسط و ۸۳/۵ درصد توانایی زیاد و بسیار زیادی داشته‌اند.

اولویت‌بندی موانع کارآفرینی زنان روستایی دهستان شلیل:

همانطور که در روش تحقیق گفته شد، جهت اولویت‌بندی موانع کارآفرینی زنان در محدوده مورد مطالعه، از تکنیک تاپسیس، استفاده گردید. این تکنیک، به عنوان یک روش تصمیم‌گیری چند شاخصه، روشی ساده ولی کارآمد در اولویت‌بندی محسوب می‌شود. این روش را در سال ۱۹۹۲ «چن و هوانگ» با ارجاع به کتاب «هوانگ و یون» در سال ۱۹۸۱ مطرح کرده‌اند (Opricovic et al, 2004: 445). مفهوم این مدل، انتخاب کوتاه‌ترین فاصله از راه‌حل ایده‌آل مثبت (PIS) و دورترین فاصله از راه‌حل ایده‌آل منفی (NIS) به منظور حل مسائلی است که با ضوابط تصمیم‌گیری متعدد روبه‌رو است (Jadidi et al, 2008; 763-764). فرایند این روش شامل هفت مرحله کلی به شرح زیر می‌باشد:

مرحله اول: تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری

با توجه به تعداد معیارها، تعداد گزینه‌ها و ارزیابی تمام گزینه‌ها با معیارهای مختلف، ماتریس تصمیم‌گیری تشکیل می‌شود.

مرحله دوم: بی‌مقیاس کردن ماتریس تصمیم‌گیری و تشکیل ماتریس استاندارد؛

به منظور قابل مقایسه نمودن معیارهای ماتریس تصمیم با همدیگر، باید، ماتریس تصمیم‌گیری که از معیارهایی با مقیاس‌های مختلف تشکیل شده است، را به ماتریس بی‌مقیاس یا به عبارتی ماتریس استاندارد تبدیل نمود. (جدول شماره ۲). فرم ریاضی این روش به صورت رابطه زیر می‌باشد. (رابطه شماره ۱).
رابطه ۱:

$$n_{ij} = \frac{r_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m r_{ij}^2}}$$

جدول ۲- ماتریس استاندارد شده

شاخص	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
ناامنی اجتماعی برای حضور زنان در بازار	۰/۰۸۵	۰/۱۶۲	۰/۱۶۷	۰/۱۶۶	۰/۳۰۲
محدودیت‌های اجتماعی برای فعالیت زنان در بازار و تجارت	۰/۲۱۰	۰/۲۱۰	۰/۱۷۳	۰/۱۶۴	۰/۲۱۲
نگاه نه‌چندان مثبت به حضور زنان در بازار آزادکار و تجارت	۰/۰۵۲	۰/۲۱۰	۰/۲۵۴	۰/۱۴۰	۰/۱۴۰
عدم موافقت خانواده برای حضور زنان در بازار کسب‌وکار و تجارت	۰	۰/۲۰۱	۰/۱۸۸	۰/۲۴۴	۰/۱۰۹
وظایف زیاد زنان در خانواده	۰	۰/۰۳۹	۰/۲۵۴	۰/۱۴۵	۰/۲۵۷
اجازه ندادن همسر به اشتغال زنان در بازار و امور تجارت	۰/۱۹۰	۰/۱۷۰	۰/۱۰۵	۰/۱۴۰	۰/۱۳۹
وابسته بودن زنان به نظرات همسر و سرپرست خانوار	۰/۰۲۰	۰/۱۲۷	۰/۱۶۷	۰/۲۶۸	۰/۱۳۸
عدم باور جامعه به توان زنان در امر نوآوری و کارآفرینی	۰/۱۱۱	۰/۲۳۲	۰/۲۳۹	۰/۱۵۴	۰/۱۰۱
نبود صنف یا سازمان غیردولتی پشتیبان زنان کارآفرین	۰/۲۲۹	۰/۰۱۷	۰/۲۷۲	۰/۱۵۴	۰/۰۶۰
نداشتن پشتوانه مالی و پس‌انداز کافی	۰/۰۶۵	۰/۱۰۱	۰/۰۷۸	۰/۱۳۰	۰/۳۶۳
نداشتن وثیقه و ضامن برای استفاده از اعتبارات دولتی	۰/۱۹۰	۰/۱۷۰	۰/۱۸۵	۰/۲۰۴	۰/۰۹۹
عدم تنوع در فعالیت‌های اقتصادی روستا	۰/۰۲۶	۰/۱۳۶	۰/۲۰۹	۰/۲۲۵	۰/۱۴۰
عدم توانایی جهت پیگیری امور بانکی	۰/۱۶۴	۰/۲۶۷	۰/۱۵۸	۰/۲۲۱	۰/۰۵۷
عدم توانایی در رقابت با مردان در عرصه تجارت و اقتصاد	۰/۰۲۰	۰/۱۰۹	۰/۱۷۰	۰/۲۰۶	۰/۲۱۳
نبود بازار محلی یا ظرفیت پایین بازار برای متنوع شدن فعالیت اقتصادی	۰/۱۹۰	۰/۰۸۳	۰/۲۴۸	۰/۰۶۹	۰/۲۴۴
پایین بودن سطح سواد زنان روستایی	۰/۲۸۲	۰/۱۰۹	۰/۱۳۸	۰/۰۹۰	۰/۲۶۵
کمبود دانش فنی و مهارت تخصص در بین زنان	۰/۱۷۰	۰/۰۴۸	۰/۰۹۹	۰/۲۱۸	۰/۲۳۹
عدم دسترسی به اطلاعات و فناوری‌های نوین	۰/۲۶۲	۰/۳۵۰	۰/۱۰۵	۰/۱۳۸	۰/۱۰۶
عدم وجود کلاس‌های تخصصی مربوط به کارآفرینی زنان	۰/۲۰۳	۰/۰۸۳	۰/۰۹۳	۰/۲۲۱	۰/۲۰۸
نداشتن مدیریت کافی در ایجاد کسب و کارهای جدید در بین زنان	۰/۲۰۳	۰/۲۰۵	۰/۱۵۵	۰/۱۲۸	۰/۱۸۲
پایین بودن سطح خلاقیت و نوآوری در ایجاد کارهای نو	۰/۲۷۵	۰/۲۶۷	۰/۲۶۰	۰/۱۱۹	۰/۰۶۳
عدم شناسایی به موقع زمینه فرصت‌های محلی موجود برای ایجاد کار جدید	۰/۱۷۷	۰/۱۰۱	۰/۱۰۲	۰/۱۰۹	۰/۳۲۲
ناتوانی زنان در مقابله با مشکلات یا رویدادهای پیش‌بینی نشده	۰/۲۵۵	۰/۱۱۸	۰/۱۴۷	۰/۲۲۳	۰/۱۱۷
پایین بودن سطح ریسک جهت ایجاد اشتغال جدید	۰/۱۳۱	۰/۳۰۱	۰/۲۴۵	۰/۱۱۱	۰/۰۸۸
عدم دسترسی به فناوری‌های جدید	۰/۱۰۵	۰/۲۳۶	۰/۲۰۹	۰/۱۷۱	۰/۱۰۹
دسترسی پایین به متخصصان و مشاوران فنی	۰/۱۵۱	۰/۱۴۹	۰/۱۳۸	۰/۲۴۴	۰/۱۲۵
مهارت پایین در زمینه استفاده از ابزارآلات و فناوری نوین	۰/۰۸۵	۰/۱۷۵	۰/۱۲۳	۰/۲۵۱	۰/۱۴۰
عدم دسترسی به نهادهای تولیدی مثل زمین یا نیروی کار متخصص	۰/۱۰۵	۰/۱۷۰	۰/۱۶۱	۰/۱۸۵	۰/۱۷۴
وجود محدودیت‌های زیاد برای فعالیت‌های اقتصادی مستقل زنان در جامعه	۰/۳۹۳	۰/۱۴۰	۰/۱۸۵	۰/۱۰۷	۰/۱۴۳
نبود یک سازمان متولی خاص و حامی زنان کارآفرین در روستاهای کشور	۰/۱۳۱	۰/۱۳۱	۰/۱۱۷	۰/۲۳۵	۰/۱۷۱
نبود جایگاه مناسب زنان روستایی در سیاست‌های توسعه کشور	۰/۲۶۲	۰/۲۱۴	۰/۱۵۲	۰/۱۴۵	۰/۱۳۸

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲.

مرحله سوم: تعیین ضریب اهمیت یا وزن معیارها؛ از آنجایی که شاخص‌های مورد بررسی معمولاً دارای ضریب اهمیت یکسانی در امر تصمیم‌گیری نیستند، لذا نیاز است که وزن و ضریب اهمیت هر یک از شاخص‌ها تعیین شوند. وزن یا ضریب اهمیت (W_i) هر یک از شاخص‌ها را می‌توان براساس رویکردها و نظریات کارشناسان، روش‌های تقریبی

چون میانگین هندسی، میانگین حسابی و روش‌های پیچیده‌تر مانند روش کمترین مربعات معمولی و لگاریتمی، عناصر بردار ویژه مربوط به بزرگ‌ترین مقدار ویژه ماتریس درونی متغیرها (PCA)، AHP، ضریب آنتروپی و روش‌های دیگر تعیین نمود. در این مطالعه از روش AHP برای این منظور استفاده شده است. در ادامه، نتایج حاصل از محاسبه وزن شاخص‌ها در ماتریس استاندارد ضرب شده و ماتریس موزون در جدول شماره ۳ تشکیل گردید.

جدول ۳- ماتریس موزون

شاخص	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
اجتماعی و فرهنگی	۰/۰۰۳	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۷
	۰/۰۰۷	۰/۰۰۸	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵
	۰/۰۰۲	۰/۰۰۷	۰/۰۰۹	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵
	۰	۰/۰۰۷	۰/۰۰۶	۰/۰۰۸	۰/۰۰۴
	۰	۰/۱۰۰	۰/۰۰۸	۰/۰۰۵	۰/۰۰۸
	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۰/۰۰۸
	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	۰/۰۰۶	۰/۰۰۹	۰/۰۰۵
	۰/۰۰۴	۰/۰۰۸	۰/۰۰۸	۰/۰۰۵	۰/۰۰۳
	۰/۰۰۸	۰	۰/۰۰۷	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲
	۰/۰۰۳	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۷	۰/۰۰۶
اقتصادی	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۷	۰/۰۰۳
	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۸	۰/۰۰۸	۰/۰۰۵
	۰/۰۰۵	۰/۰۰۷	۰/۰۰۴	۰/۰۰۶	۰/۰۰۱
	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	۰/۰۰۶	۰/۰۰۷	۰/۰۰۸
	۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	۰/۰۰۷
	۰/۰۰۹	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	۰/۰۰۷
آموزشی - مدیریتی	۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۸	۰/۰۰۸
	۰/۰۰۹	۰/۰۱۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴
	۰/۰۰۷	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۸	۰/۰۰۷
	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	۰/۰۰۶
	۰/۰۰۹	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱
روانشناختی	۰/۰۰۶	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۹
	۰/۰۰۸	۰/۰۰۴	۰/۰۰۵	۰/۰۰۸	۰/۰۰۴
	۰/۰۰۴	۰/۰۰۸	۰/۰۰۷	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲
	۰/۰۰۳	۰/۰۰۸	۰/۰۰۷	۰/۰۰۶	۰/۰۰۴
فنی	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۸	۰/۰۰۴
	۰/۰۰۳	۰/۰۰۶	۰/۰۰۴	۰/۰۰۹	۰/۰۰۵
	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۴	۰/۰۱۰
	۰/۰۱۳	۰/۰۰۵	۰/۰۰۶	۰/۰۰۴	۰/۰۰۵
سیاست-گذاری	۰/۰۰۴	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	۰/۰۰۸	۰/۰۰۶
	۰/۰۰۹	۰/۰۰۸	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵
	۰/۰۰۹	۰/۰۰۸	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵

منبع: یافته‌های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۲.

مرحله چهارم: یافتن ایده‌آل‌های مثبت (A^*) و منفی (A^-)؛ جواب‌های ایده‌آل مثبت برای شاخص‌هایی که دارای تأثیرگذاری مثبت بر روی هدف مسئله می‌باشند، بزرگ‌ترین مقدار شاخص و برای شاخص‌هایی که جنبه منفی دارند، کمترین مقدار هر شاخص می‌باشد. یعنی برای یافتن جواب‌های ایده‌آل مثبت باید بیش‌ترین مقدار هر شاخص انتخاب شود و برای یافتن جواب‌های ایده‌آل منفی درست عکس این طریق عمل می‌شود. فرم ریاضی این عمل به شکل روابط زیر می‌باشد. (رابطه شماره ۲ و ۳).

رابطه ۲ و ۳:

$$A^* = \left\{ \left(\max_i v_{ij} \mid j \in J \right), \left(\min_i v_{ij} \mid j \in J' \right) \right\}$$

$$A^* = \{v_1^*, v_2^*, \dots, v_n^*\}$$

$$A^- = \left\{ \left(\min_i v_{ij} \mid j \in J \right), \left(\max_i v_{ij} \mid j \in J' \right) \right\}$$

$$A^- = \{v_1^-, v_2^-, \dots, v_n^-\}$$

مرحله پنجم: محاسبه میزان فاصله از ایده‌آل مثبت (A^*) و ایده‌آل منفی (A^-)؛ در این مرحله برای هرگزینه فاصله از راه‌حل‌های ایده‌آل مثبت و منفی (ضد ایده‌آل) به ترتیب با استفاده از روابط زیر محاسبه می‌شوند. (رابطه شماره ۳ و ۴):

رابطه ۳ و ۴:

$$S_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^-)^2} \quad S_i^{*} = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^*)^2}$$

مرحله ششم: محاسبه نزدیکی نسبی S_i به راه حل ایده‌آل؛ میزان نزدیکی نسبی هر یک از گزینه‌ها به ایده‌آل مثبت به روش ذیل قابل محاسبه است. (رابطه شماره ۵).

رابطه ۵:

$$C_i^* = \frac{S_i^-}{S_i^- + S_i^*}$$

مرحله هفتم: رتبه‌بندی گزینه‌ها بر اساس مقادیر C_i^* ؛ میزان C_i^* بین $0 \leq C_i^* \leq 1$ در نوسان است. در این راستا $C_i^* = 1$ نشان‌دهنده بالاترین رتبه و $C_i^* = 0$ نشان‌دهنده پایین‌ترین رتبه است. با توجه به مراحل تکنیک تاپسیس در ارتباط با اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی دهستان شلیل، ضریب اولویت هر متغیر (C_i^*)، اولویت درون‌گروهی و اولویت کلی در جدول شماره ۴، نشان داده شده است.

جدول ۴- ضریب اولویت و رتبه‌بندی موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی دهستان شلیل

اولویت کلی	اولویت درون گروهی	C^*i	S^-	S^+	شاخص	
۴	۱	۰/۵۸۲	۰/۰۰۷	۰/۰۰۵	ناامنی اجتماعی برای حضور زنان در بازار	اجتماعی و فرهنگی
۱۰	۳	۰/۵۴۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	محدودیت‌های اجتماعی برای فعالیت زنان در بازار و تجارت	
۱۴	۵	۰/۵۲۲	۰/۰۱۰	۰/۰۰۹	نگاه نه چندان مثبت به حضور زنان در بازار آزادکار و تجارت	
۶	۲	۰/۵۷۱	۰/۰۱۳	۰/۰۱۰	عدم موافقت خانواده برای حضور زنان در بازار کسب‌وکار و تجارت	
۱۳	۴	۰/۵۲۴	۰/۰۱۳	۰/۰۱۲	وظایف زیاد زنان در خانواده	
۱۷	۸	۰/۴۹۱	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	اجازه ندادن همسر به اشتغال زنان در بازار و امور تجارت	
۱۶	۷	۰/۵۰۱	۰/۰۱۱	۰/۰۱۱	وابسته بودن زنان به نظرات همسر و سرپرست خانوار	
۱۸	۹	۰/۴۸۹	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	عدم باور جامعه به توان زنان در امر نوآوری و کارآفرینی	
۱۵	۶	۰/۵۱۰	۰/۰۱۰	۰/۰۱۰	نبود صنف یا سازمان غیردولتی پشتیبان زنان کارآفرین	
۱	۱	۰/۶۲۴	۰/۰۰۶	۰/۰۰۴	نداشتن پشتوانه مالی و پس‌انداز کافی	اقتصادی
۲	۲	۰/۶۱۳	۰/۰۰۶	۰/۰۰۴	نداشتن وثیقه و ضامن برای استفاده از اعتبارات دولتی	
۵	۴	۰/۵۷۳	۰/۰۱۱	۰/۰۰۹	عدم تنوع در فعالیت‌های اقتصادی روستا	
۷	۵	۰/۵۶۵	۰/۰۰۸	۰/۰۰۶	عدم توانایی جهت پیگیری امور بانکی	
۳	۳	۰/۵۹۰	۰/۰۱۲	۰/۰۰۸	عدم توانایی در رقابت با مردان در عرصه تجارت و اقتصاد	
۹	۶	۰/۵۵۱	۰/۰۰۸	۰/۰۰۷	نبود بازار محلی یا ظرفیت پایین بازار برای متنوع شدن فعالیت اقتصادی	
۲۴	۴	۰/۴۳۸	۰/۰۰۸	۰/۰۱۱	پایین بودن سطح سواد زنان روستایی	آموزشی - مدیریتی
۱۱	۲	۰/۵۳۱	۰/۰۱۰	۰/۰۰۹	کمبود دانش فنی و مهارت تخصصی در بین زنان	
۲۶	۵	۰/۴۱۴	۰/۰۱۰	۰/۰۱۴	عدم دسترسی به اطلاعات و فناوری‌های نوین	
۱۲	۳	۰/۵۳۰	۰/۰۰۸	۰/۰۰۷	عدم وجود کلاس‌های تخصصی مربوط به کارآفرینی زنان	
۸	۱	۰/۵۵۷	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	نداشتن مدیریت کافی در ایجاد کسب و کارهای جدید در بین زنان	روان‌شناختی
۲۵	۳	۰/۴۳۴	۰/۰۱۰	۰/۰۱۳	پایین بودن سطح خلاقیت و نوآوری در ایجاد کارهای نو	
۲۸	۴	۰/۳۸۴	۰/۰۰۷	۰/۰۱۱	عدم شناسایی به موقع فرصت‌های محلی موجود برای ایجاد کار جدید	
۲۲	۲	۰/۴۴۷	۰/۰۰۶	۰/۰۰۷	ناتوانی زنان در مقابله با مشکلات یا رویدادهای پیش‌بینی نشده	
۲۰	۱	۰/۴۵۳	۰/۰۰۸	۰/۰۰۹	پایین بودن سطح ریسک جهت ایجاد اشتغال جدید	
۲۱	۲	۰/۴۸۸	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	عدم دسترسی به فناوری‌های جدید	فنی
۳۰	۳	۰/۳۷۱	۰/۰۰۴	۰/۰۰۷	دسترسی پایین به متخصصان و مشاوران فنی	
۱۹	۱	۰/۴۴۹	۰/۰۰۷	۰/۰۰۹	مهارت پایین در زمینه استفاده از ابزارآلات و فناوری نوین	
۳۱	۴	۰/۳۵۳	۰/۰۰۸	۰/۰۱۵	عدم دسترسی به نهاده‌های تولیدی مثل زمین یا نیروی کار متخصص	
۲۹	۳	۰/۳۷۷	۰/۰۱۰	۰/۰۱۶	وجود محدودیت‌های زیاد برای فعالیت اقتصادی مستقل زنان در جامعه	سیاستی-مجاری
۲۷	۲	۰/۳۹۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۷	نبود یک سازمان متولی خاص و حامی زنان کارآفرین در روستاهای کشور	
۲۳	۱	۰/۴۴۴	۰/۰۰۵	۰/۰۰۶	نبود جایگاه مناسب زنان روستایی در سیاست‌های توسعه کشور	

منبع: یافته‌های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۲.

نتایج حاصل از اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی دهستان شلیل، نشان می‌دهد از نظر پاسخگویان سه متغیر نداشتن پشتوانه مالی و پس‌انداز کافی، نداشتن وثیقه و ضامن برای استفاده از اعتبارات دولتی

و عدم توانایی در رقابت با مردان در عرصه تجارت و اقتصاد به ترتیب با ضریب اولویت ۰/۶۲۴، ۰/۶۱۳ و ۰/۵۹۰، مهم‌ترین موانع کارآفرینی در محدوده مورد مطالعه می‌باشند. در مقابل سه متغیر مذکور، سه متغیر وجود محدودیت‌های زیاد برای فعالیت‌های اقتصادی مستقل زنان در جامعه، دسترسی پایین به متخصصان و مشاوران فنی و عدم دسترسی به فناوری‌های جدید، به ترتیب با ضریب اولویت ۰/۳۷۷، ۰/۳۷۱ و ۰/۳۵۳، ضعیف‌ترین موانع توسعه کارآفرینی زنان در دهستان شلیل می‌باشند. همچنین، نتایج نشان داد عوامل ناامنی اجتماعی برای حضور زنان در بازار و عدم باور جامعه به توان زنان در امر نوآوری و کارآفرینی به ترتیب با ضریب اولویت ۰/۵۸۲ و ۰/۴۸۹، قوی‌ترین و ضعیف‌ترین مانع کارآفرینی در بعد اجتماعی- فرهنگی بوده‌اند. در ابعاد اقتصادی، آموزشی و مدیریتی، روان‌شناختی، فنی و سیاست‌گذاری به ترتیب عوامل نداشتن پشتوانه مالی و پس‌انداز کافی، نداشتن مدیریت کافی در ایجاد کسب و کارهای جدید در بین زنان، پایین بودن سطح ریسک جهت ایجاد اشتغال جدید، عدم دسترسی به فناوری‌های جدید و نبود جایگاه مناسب زنان به ویژه زنان روستایی در سیاست‌های توسعه کشور، مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی بوده‌اند.

ارائه بحث و نتیجه‌گیری:

در علم برنامه‌ریزی، شناخت و تبیین وضعیت موجود، اولین و مهم‌ترین گام جهت رسیدن به اهداف بعدی است. نگارندگان با علم بر این مهم، جهت توسعه کارآفرینی زنان روستایی دهستان شلیل، اقدام به اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی در محدوده مذکور نموده‌اند. نتایج پژوهش در بین ابعاد شش‌گانه مورد بررسی نشان داد:

– در بعد اجتماعی - فرهنگی، سه متغیر ناامنی اجتماعی برای حضور زنان در بازار، عدم موافقت خانواده برای حضور زنان در بازار کسب‌وکار و تجارت و محدودیت‌های اجتماعی برای فعالیت زنان در بازار و تجارت به ترتیب با ضریب اولویت ۰/۵۸۲، ۰/۵۷۱ و ۰/۵۴۱، مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی بوده‌اند. لذا، در این مورد با فرهنگ‌سازی بیشتر در ارتباط با اهمیت حضور زنان در عرصه بازار کار و تجارت به عنوان نیمی از پتانسیل فکری و فیزیکی جامعه، از طریق برگزاری کلاس‌های آموزشی در سطح روستاها، سخنرانی در جلسات عمومی به ویژه مساجد، انتشار پوستر و بروشور از طرق دهیاران و شوراها، تشویق و تجلیل افراد پیشرو در زمینه کارآفرینی جهت ترغیب دیگران، تقویت کرد. در مقابل سه مانع مذکور در بعد اجتماعی - فرهنگی، سه عامل عدم باور جامعه به توان زنان در امر نوآوری و کارآفرینی، اجازه ندادن همسر به اشتغال زنان در بازار و امور تجارت و وابسته بودن زنان به نظرات همسر و سرپرست خانوار به ترتیب با ضریب اولویت ۰/۴۸۹، ۰/۴۹۱ و ۰/۵۰۱، از نظر پاسخ‌گویان ضعیف‌ترین موانع توسعه کارآفرینی در بعد مذکور هستند. با این وجود می‌توان با برگزاری جلسات مشاوره‌ای در سطح خانواده (بین زوجین و حتی سایر افراد خانوار)، به تدریج موانع مذکور را تضعیف کرده و در نهایت به حد قابل قبول رساند.

– در بعد اقتصادی سه متغیر نداشتن پشتوانه مالی و پس‌انداز کافی، نداشتن وثیقه و ضامن برای استفاده از اعتبارات دولتی و عدم توانایی در رقابت با مردان در عرصه تجارت و اقتصاد به ترتیب با ضریب اولویت ۰/۶۲۴، ۰/۶۱۳ و ۰/۵۹۰، مهم‌ترین موانع کارآفرینی توسعه کارآفرینی بوده‌اند. لازم به ذکر است، نتایج نهایی مطالعه نشان داد که این سه متغیر به عنوان مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی مورد مطالعه شناخته شدند. لذا باید از طریق اقداماتی از جمله: اعطای وام‌های بلاعوض یا کم بهره (در خصوص این پیشنهاد می‌توان به تشکیل صندوق‌های قرض-الحسنه و اعتبارت خرد ویژه زنان کارآفرین اشاره کرد)، حمایت‌های مالی بیشتر خانواده، تجدیدنظر در سختی مقررات ضامن و وثیقه (با توجه به اینکه تغییر مقررات سیستم بانکی به آسانی صورت نمی‌گیرد می‌توان به مسولان این پیشنهاد را داد که خود پروژه و طرح کارآفرینی (سند مالکیت طرح و پروژه) را به‌عنوان ضامن و وثیقه از زنان

کارآفرین مورد پذیرش قرار دهند)، حمایت و پشتیبانی بیشتر از زنان در عرصه‌های مختلف از جمله معافیت‌های مالیاتی، تخصیص امتیازات ویژه به گروه زنان در مقایسه با مردان در نهادهایی از جمله بخش‌داری، فرمانداری، جهاد کشاورزی، بنیاد مسکن و ...، موانع مذکور را به حداقل رساند. در مقابل سه مانع مهم کارآفرینی در منطقه، در بعد اقتصادی عامل‌های نبود بازار محلی یا ظرفیت پایین بازار محلی برای متنوع شدن فعالیت‌های اقتصادی و عدم توانایی جهت پیگیری امور بانکی، به ترتیب با ضریب اولویت ۰/۵۵۱ و ۰/۵۶۵، ضعیف‌ترین موانع کارآفرینی به لحاظ بُعد اقتصادی در دهستان شلیل می‌باشند. با این وجود دو مانع مذکور، در بین متغیرهای ۳۱ گانه مورد بررسی با رتبه-های ۹ و ۷، از موانع مهم کارآفرینی در محدوده مورد بررسی می‌باشند. احداث بازارهای محلی روزانه و هفتگی جهت عرضه تولیدات، توسعه و گسترش بازارهای موجود (اعم از گسترش فیزیکی و افزایش مکان‌های عرضه تولیدات)، تسهیل دسترسی به بانک‌ها از طریق احداث شعب متعدد و دفاتر فناوری اطلاعات و ارتباطات در نقاط روستایی و ... می‌تواند در تعدیل موانع مذکور مؤثر باشند.

– در بعد آموزشی - مدیریتی، دو عامل نداشتن مدیریت کافی در ایجاد کسب و کارهای جدید در بین زنان و کمبود دانش فنی و مهارت تخصصی در بین زنان به ترتیب با ضرایب ۰/۵۵۷ و ۰/۵۳۱، مهم‌ترین موانع در توسعه کارآفرینی زنان روستایی بوده‌اند. برگزاری کلاس‌های آموزشی در زمینه‌های ارتقای مدیریت زمانی و استفاده بهینه از فرصت‌های موجود، ارتباط ملموس و عینی زنان با کارگاه‌ها و آموزشگاه‌های صنعتی، فنی و حرفه‌ای و ... می‌تواند در تعدیل دو مانع مذکور مؤثر باشند.

– بررسی عوامل روان‌شناختی نشان می‌دهد پایین بودن سطح ریسک جهت ایجاد اشتغال جدید (با ضریب اولویت ۰/۴۵۳) و ناتوانی زنان در مقابله با مشکلات یا رویدادهای پیش‌بینی‌نشده (با ضریب اولویت ۰/۴۴۷)، در توسعه کارآفرینی زنان روستایی مورد مطالعه، مهم‌ترین موانع می‌باشند. همانطور که در ویژگی‌های کارآفرینی اشاره شد، ریسک‌پذیری و مخاطره‌آمیز بودن فعالیت‌های کارآفرینی، از خصیصه‌های این نوع فعالیت‌ها می‌باشد. همچنین، نتایج نشان داد در بین عوامل روان‌شناختی، عامل عدم شناسایی به موقع در زمینه فرصت‌های محلی موجود برای ایجاد کسب‌وکار جدید با ضریب اولویت ۰/۳۸۴، مانع جدی در توسعه کارآفرینی زنان روستایی مورد مطالعه به لحاظ عوامل روان‌شناختی نبوده است.

– بررسی بعد فنی نشان می‌دهد مهارت پایین در زمینه استفاده از ابزارآلات و فناوری نوین با ضریب اولویت ۰/۴۴۹، مهم‌ترین مانع فنی توسعه کارآفرینی زنان روستایی مورد مطالعه بوده در حالی که عامل عدم دسترسی به نهادهای تولیدی مثل زمین یا نیروی کار متخصص با ضریب اولویت ۰/۳۵۳، ضعیف‌ترین مانع فنی در توسعه کارآفرینی زنان روستایی مورد مطالعه (با توجه به شغل غالب منطقه کشاورزی بوده و میزان دسترسی عوامل تولید بالا است) بوده است. وجود نهادهای تولیدی از جمله متخصصان کارآفرینی در منطقه به ویژه در سطح شهرستان و استان، و عدم انتقال مهارت‌ها و تجارب آن‌ها به روستاییان به ویژه زنان روستایی از دلایل اصلی این مهم می‌باشد.

– در بعد سیاست‌گذاری پاسخ‌گویان اعتقاد داشتند که نبود جایگاه مناسب زنان به ویژه زنان روستایی در سیاست‌های توسعه کشور با ضریب اولویت ۰/۴۴۴، مهم‌ترین مانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی شلیل می‌باشد. البته توجه کلی به جایگاه کلی این مانع (رتبه ۲۶) در بین موانع کلی، تأثیر چندانی در عدم توسعه کارآفرینی در توسعه کارآفرینی زنان روستایی مورد مطالعه نسبت به عوامل دیگر (بعضی از عوامل اقتصادی) ندارد. با این وجود توجه بیشتر به زنان در برنامه‌های توسعه به ویژه زنان روستایی در ارتقای جایگاه فعلی آن‌ها می‌تواند مؤثر واقع شود.

به طور کلی با توجه به اینکه اکثر موانع مهم کارآفرینی زنان روستایی دهستان شلیل، در بعد اقتصادی (اولویت‌های کلی با رتبه ۱، ۲، ۳، ۵، ۷ و ۹) قرار گرفته‌اند، می‌توان موانع مذکور را مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی در بین زنان روستایی دهستان قلمداد کرد. از دلایل اصلی قرار گرفتن عامل اقتصادی به عنوان مهم‌ترین مانع کارآفرینی زنان روستایی در دهستان شلیل می‌توان به ضعف مالی شدید، عدم حمایت مالی خانواده‌ها از زنان، دسترسی دشواری به تسهیلات بانکی به واسطه گرفت وثیقه زیاد و الزام به آوردن ضامن‌های معتبر اشاره کرد. زیرا برای شروع فعالیت‌های کارآفرینی فقط سرمایه انسانی کافی نبوده و سرمایه و منابع مالی هم اهمیت زیادی دارند. بنابراین جهت توسعه کارآفرینی زنان روستایی در دهستان شلیل رفع کلیه موانع کارآفرینی با تأکید بر رفع موانع اقتصادی، باید در اولویت برنامه‌ریزی‌ها قرار گیرد.

منابع و مأخذ:

۱. جواهری، فاطمه و سرور قضاتی (۱۳۸۳): «موانع کارآفرینی زنان: بررسی تأثیر نابرابری جنسیتی بر کارآفرینی زنان در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۵، شماره ۲، تهران، صص ۱۷۸-۱۶۱.
۲. حیدری ساربان، وکیل (۱۳۹۱): «اولویت‌بندی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی (با روش AHP)»، مجله مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، سال ۱۰، شماره ۲، تهران، صص ۱۷۷-۱۵۹.
۳. خاتون‌آبادی، سیداحمد (۱۳۸۴): جنبه‌هایی از توسعه پایدار (از اندیشه تا کنش)، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی اصفهان.
۴. زارع‌احمدآبادی، حبیب و شیوا عربشاهی (۱۳۹۰): «الزامات آموزش کارآفرینی زنان روستایی (مورد: زنان روستایی یزد)»، دو فصلنامه بانوان شیعه، سال ۸، شماره ۲۶، قم، صص ۷۱-۴۹.
۵. شریفی، امید و محسن عادل (۱۳۹۰): «تحلیل عاملی موانع موجود در زمینه کارآفرینی زنان کشاورز از دیدگاه زنان نمونه کشاورز منطقه جیرفت و کهنوج»، فصلنامه تحقیقات زنان، سال ۵، شماره ۱، تهران، صص ۱۲۵-۱۱۲.
۶. عربیون، ابوالقاسم، عبدالله‌زاده، غلامحسین، شریف‌زاده، ابوالقاسم و احمد محسنی (۱۳۸۹): «شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های تعیین‌کننده کارآفرینی کسب‌وکارها»، نشریه توسعه کارآفرینی، سال دوم، شماره ۸، تهران، صص ۱۰۶-۷۱.
۷. علیدوست، سمیه، لشگرآرا، فرهاد و فرج‌اله حسینی (۱۳۹۱): اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان گرمسار، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان.
۸. علی‌میرزایی، عرفان و مریم طهماسبی (۱۳۸۹): موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی (مطالعه موردی دهستان مینوبار آبادان)، اولین کنفرانس سالانه مدیریت، نوآوری و کارآفرینی (۲۷ و ۲۸ بهمن)، شیراز.
۹. میرغفوری، سیدحبیب‌الله، صیادی تورانلو، حسین و محسن طاهری دمنه (۱۳۸۸): «تیین و تحلیل موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان (مطالعه موردی: استان یزد)»، پژوهش‌نامه مدیریت تحول، سال اول، شماره ۲، تهران، صص ۶۴-۴۷.
۱۰. نیازکار، فاطمه و نرگس عرب مقدم (۱۳۸۹): «زنان کارآفرین دانشگاهی نسبت به موانع توسعه کارآفرینی زنان»، فصلنامه تحقیقات زنان، سال ۴، شماره ۱، تهران، صص ۲۵-۵.

۱۱. همتی‌وینه، هانا، عابدی سروسستانی، احمد، عبدالله‌زاده، غلامحسین و محمدرضا محبوبی (۱۳۹۱): اشتغال خانگی و موانع کسب‌وکار زنان: مطالعه‌ای درباره زنان روستایی شهرستان کرمانشاه، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان.
۱۲. یعقوبی‌فرانی، احمد و رضا موحدی (۱۳۹۱): «بررسی و تحلیل موانع و محدودیت‌های توسعه کارآفرینی زنان روستایی در ایران»، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۱۴۲، تهران، صص ۳۸-۵۰.
13. Askun, B, Yildirim, Nihan (2011): *Insights on Entrepreneurship Education In Public Universities In Turkey: Creating Entrepreneurs Or Not? Procedia Social and Behavioral Sciences*, PP. 663–676.
14. Audretsch, D. B. and Keilbach, M. (2005): *Entrepreneurship capital and regional growth. Ann Reg Sci* 39:457–469. DOI: 10.1007/s00168-005-0246-9.
15. Brandth, B., (2002): *Gender identity in European family farming: a literature review. Sociologia Ruralis* 42 (3), 182-200.
16. Carter, sara (2005): *Constraints on women enterprise, 27th conference enterprise and small business , University of strathclyed in Glasgow ,June 2005,pp. 36-47.*
17. Chell, E. (2001): “*Entrepreneurship: globalization, innovation and development*”, *International*.
18. Chitsike. C (2000): *Culture as a barrier to rural women's entrepreneurship: experience from Zimbabwe. Gender and Development* 8 (1): pp: 71-77.
19. Cronies, S, (2006): *Understanding enterprise, entrepreneurship and small business, Macmillan, asingstoke*, (5): 243-246.
20. Dabson B., Malkin J., Matthews A., Pate K., Stickle S., (2003): *Mapping Rural Entrepreneurship, Washington, D.C.: Corp. for Enterprise Development. 68 p.*
21. Driga, O., Lafuente, E., Vaillant, Y., (2008): “*Reasons for the relatively lower entrepreneurial activity levels of rural women in Spain*”. *Sociologia Ruralis* 49 (1), 72-96.
22. Ellis, F, (2003): *Livelihoods and rural poverty reduction in Kenya, Development Policy Review*, (13):566-571.
23. Gartner, W.B. (2001): *Is there an elephant in entrepreneurship? Blind assumptions in theory development. Entrepreneurship Theory and Practice*, 25(4), 27-39.
24. Ilmakunnas, Pekka., Kannianen, Vesa. (2001): *Entrepreneurship, Economic Risks, and Risk Insurance in the Welfare State: Results with OECD Data 1978±93. German Economic Review* 2(3): 195-218.
25. Jadidi, O., Hong, T.S., Firouzi, F., Yusuff, R.M and Zulkifli, N., (2008): *TOPSIS and fuzzy multi-objective model integration for supplier selection problem, journal of Achievements in Manufacturing Engineering* 312:762-769.
26. Minniti, M. (2004): “*Entrepreneurial alertness and asymmetric information in a spin-glass model*”, *Journal of Business Venturing*, Vol. 19 No. 5, pp. 637-58.
27. Opricovic.S and Tzeng, G.H., (2004): *Compromise solution by MCDM methods: A comparative analysis of VIKOR and TOPSIS. European Journal of Operational Research* (156): 445–455.

28. Petridou, E. and Glavelis, N. (2008): "Rural women entrepreneurship within co-operatives: training support". *Gender in Management: An International Journal* Vol. 23 No. 4, PP.262-277.
29. Roomi, M.A. & Parrott, G. (2008): *Barriers to development and progression of women entrepreneurs in Pakistan*, *The Journal of Entrepreneurship*, No 17, pp: 59-72.
30. Sathiabama, K. (2010): *Rural Women Empowerment and Entrepreneurship Development*. From: <http://ideas.repec.org/p/ess/wpaper/id2475.html>.
31. Shane, S., Venkataraman, S. (2000): *The promise of entrepreneurship as a field of research*. *Academy of Management Review*, 25: 217-226.
32. Singh, V. and Vinnicombe, S. (2003): "Women-only management training: an essential part of women's leadership development", *Journal of Change Management*, Vol. 3 No. 4, pp. 294-306.
33. Stratigaki, M. (Ed.), (2005): *Entrepreneurship of Women. Aspects of Ownership and Management*, Gutenberg, Athens (in Greek).
34. Suhir, E. & Kovach, z. (2003): *Administrative barriers to entrepreneurship in central Asia*. Frame: www.cipe.org/pdf/publications/fs/suhirkovach.pdf.
35. Unido (2004): *women industry and entrepreneurship united nation industrial developing organization*.
36. Wennekers, A. R. M., & Thurik, A. R. (1999): *Linking entrepreneurship and economic growth*. *Small Business Economics*, 13(1), 27-55.